مشکوة سال چهل و چهارم / ش ۱۶۷/ تابستان ۱۴۰۴
نوع مقاله: علمی ـ پژوهشی (ص۹۶ـ ۱۱۹)

روح‌القدس و معجزات عیسی؛ پیشنهادی روش‌شناختی درباره کتاب «پیامبر دیگر؛ عیسی در قرآن»

فرزانه روحانی مشهدی[۱]

چکیده

در پژوهش حاضر، برای بهبود روش به‌کارگرفته‌شده در کتاب ارزشمند **پیامبر دیگر؛ عیسی در قرآن** پیشنهادی روش‌شناختی ارائه می‌شود. ازاین‌رو «تأیید الهی عیسی علیه‌السلام به‌وسیلهٔ روح‌القدس»، به‌عنوان یکی از مواهب اختصاصی آن حضرت علیه‌السلام، بر پایهٔ پیامبرشناسی قرآن مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا ضرورت همراه شدن مطالعات تاریخی و درزمانی[۲] قرآن با مطالعات کل‌نگر[۳] متن این کتاب مقدّس، به‌عنوان یک کلّ واحد، نشان داده شود. روش پژوهش، استخراج شبکهٔ مفهومی کلمات کلیدی در پیامبرشناسی قرآن، مانند «وحی، روح، امر الهی، ملائکه» و تحلیل منطقی و کشف روابط معنایی در این شبکه است. درنتیجهٔ به‌کارگیری این روش، یکی از گمانه‌های نویسندگان کتاب تأیید و تقویت می‌شود: «شاید بیّنات نزد عیسی علیه‌السلام با تأیید وی به‌وسیلهٔ روح‌القدس مرتبط باشد؛ به‌نحوی که این بیّنات فقط هنگامی می‌توانند آخرین توان متقاعدکنندگی و وضوح سخن را شکوفا سازند که با کمک روح دیده شوند. در این صورت، چنین تأییدی در مقایسه با بیّنات پیامبران عهد عتیق، به معجزات و نشانه‌ها نیز کیفیتی دیگر می‌بخشد؛ زیرا آن‌ها

---

۱. استادیار پژوهشکدهٔ مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی.
f_rohani@sbu.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۵/۱۳ـ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۱۲

2. dia-chronic
3. holistic

در اینجا از ارتباطی ویژه با خدا گواهی می‌دهند که متأثر از روح است و مرجعیت خویش را از او به‌دست می‌آورند».

کلیدواژه‌ها: عیسی علیه‌السلام در قرآن، روح‌القدس، بیّنات، فرشتگان، وحی، پیامبرشناسی قرآن.

۱. مقدّمه

براساس کتاب **پیامبر دیگر؛ عیسی در قرآن**، برخورداری از بیّنات و تأیید با روح‌القدس (بقره/ ۸۷)، کلمهٔ خداوند و مقرّب بودن (آل عمران/ ۴۵؛ نساء/ ۱۷۱)، خاص بودن از لحظهٔ لقاح یعنی باروری نطفهٔ به‌وسیلهٔ روح خدا (مائده/ ۱۱۰؛ مریم/ ۱۷-۲۱)، رستاخیز و معراج (مریم/ ۳۳؛ نساء/ ۱۵۸) از مواهب ممتاز عیسی علیه‌السلام در قرآن است که می‌تواند موضوع مشترک جدال احسن میان مسلمانان و مسیحیان باشد. در پژوهش حاضر، موهبت عیسی بن مریم با تعبیر قرآنی «تأیید الهی به‌وسیلهٔ روح‌القدس» براساس خوانشی جامع و یکپارچه از آیات قرآنی که در شبکهٔ مفهومی روح قرار دارد، تبیین می‌شود (Rohani Mashhadi, 2025).

به‌عنوان مقدّمه ایدهٔ اصلی کتاب **پیامبر دیگر؛ عیسی در قرآن** و روش ویژه و ستودنی نویسندگان آن به‌طور خلاصه ارائه خواهد شد و سپس ایدهٔ اصلی پژوهش حاضر به‌عنوان پیشنهادی برای بهبود روش کتاب یادشده و تقویت نتایج آن براساس نگاهی جامع به تمام آیات پیامبرشناسی قرآن ارائه می‌شود. پس از این مقدّمه، فرضیه‌ای به‌عنوان مطالعهٔ موردی براساس روش پیشنهادی تبیین می‌شود: «تقویت با روح‌القدس موهبت ویژهٔ حضرت عیسی علیه‌السلام در قرآن است و این موهبت بی‌نظیر به معجزات بی‌نظیر ایشان از نظر وضوح و قدرت اقناع انجامیده است».

۲. پیامبر دیگر؛ عیسی در قرآن

طبق مقدّمهٔ کتاب **پیامبر دیگر؛ عیسی در قرآن**، یکی از اهداف این کتاب پرداختن به مسیح‌شناسی قرآن به‌منظور ارائهٔ درک صحیح از قرآن و نشان دادن دستاوردهای بزرگ آن در حوزهٔ هرمنوتیک است (Khorchide and Stosch, 2019: 2).

نویسندگان کتاب از چهار مرحلهٔ روش‌شناختی نوآورانهٔ اصلی استفاده کرده‌اند که هیچ‌کدام پیش‌تر به این شکل در موضوع بازنمایی سیمای حضرت عیسی علیه‌السلام در قرآن، به‌کار گرفته نشده است. در پژوهش حاضر، سومین مرحله مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این مرحله، چنان‌که نویسندگان کتاب نوشته‌اند، عبارت است از خواندن حداقل مهم‌ترین سوره‌های مربوط به حضرت عیسی علیه‌السلام به شیوه‌ای جامع که به این منظور کوشیده می‌شود ضمن پرهیز از تکه‌تکه کردن رایج قرآن، بر سوره‌های یادشده، به‌عنوان موجودیت‌های ادبی، تمرکز شود (ibid, 5).

موفقیت نویسندگان کتاب در استفاده از روش بدیعشان، به‌ویژه در فصل چهارم که آن را محور اصلی کتاب خود دانسته‌اند، ستودنی است. درواقع آنان توانسته‌اند به‌صورتی روشمند سوره‌های مریم، آل عمران و مائده را در چارچوب یک مطالعهٔ درزمانی مورد خوانشی کل‌نگر قرار دهند و مطالبی دربارهٔ حضرت عیسی علیه‌السلام ارائه دهند که با دیدگاه‌های میانه‌رو اسلامی کاملاً هماهنگ است. بااین‌همه به نظر می‌رسد که امکان بهبود این روش ارزشمند وجود دارد؛ زیرا چنان‌که خود نویسندگان بر ضرورت خوانش کل‌نگر سوره‌های مربوط به حضرت عیسی علیه‌السلام تأکید کرده‌اند، تأکید بر ضرورت خوانش کل‌نگر آیات مربوط به پیامبرشناسی نیز مهم است.

۳. پیشنهاد خوانش کل‌نگر از قرآن به‌عنوان مبنایی مؤثّر

چنان‌که آمد، پژوهش حاضر درپی بهبود روش کتاب **پیامبر دیگر؛ عیسی در قرآن** است که هر سورهٔ مربوط به حضرت عیسی علیه‌السلام را به‌عنوان یک کل و یک موجودیت ادبی بررسی کرده و توجه ویژه‌ای به سیر تاریخی اندیشهٔ مخاطبان قرآن در آن زمان دارد. پیشنهاد پژوهش، تلفیق روش بدیع این کتاب با مطالعهٔ درون‌متنی پیامبرشناسی براساس مطالعهٔ جامع قرآن، به‌عنوان یک موجودیت ادبی است. براین‌اساس خوانش کل‌نگر از آیات مربوط به «روح در پیامبرشناسی قرآن» باید گامی از مراحل روش‌شناختی نوآورانه باشد؛ زیرا پیش از هرگونه مطالعهٔ تطبیقی، شناسایی اصطلاحات متن ضروری است.

مفاهیم زبانی در یک متن بی‌شک وابسته به فرهنگ و متأثر از شرایط تاریخی هستند؛ امّا نباید از ویژگی‌های مستقل یک متن که باعث مفهوم‌سازی جدید از کلمات می‌شود، غافل شد؛ به‌ویژه اگر آن متن مانند قرآن با هدف اصلاح فرهنگی ارائه شده باشد. نمونهٔ بارز چنین پژوهش‌هایی، آثار زبان‌شناس مشهور، توشیهیکو ایزوتسو، مانند **خدا و انسان در قرآن و مفاهیم اخلاقی ـ دینی در قرآن** هستند. ازاین‌رو درک چارچوب نظری حاکم بر تحقیقات معناشناختی، به‌عنوان نقطهٔ عطف آثار معناشناسی، ضروری است؛ زیرا تغییرات معنایی یک کلمه در ساختارها و روش‌های مختلف قرآنی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. اگر محقق بتواند ابعاد بیشتری از کلمه را کشف کند، تحلیل به‌دست‌آمده عمیق‌تر خواهد بود (ایزوتسو، ۱۳۸۱؛ Sazjini, M et al, 2021: 134). در فرایند مطالعهٔ معناشناختی لازم است توالی هم‌نشینی مجموعه‌ای از کلمات که از نظر معنایی به‌هم پیوسته‌اند، درنظر گرفته شود. درواقع کلماتی که قبل و بعد از یک کلمه به‌کار گرفته می‌شوند، از نظر هم‌نشینی با هم مرتبط‌اند و هم‌نشینی، پیوندی بین کلمات مختلف در یک زنجیرهٔ گفتمان است (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۸۶). در مرحلهٔ بعد، محقّق به تحلیل یا شناسایی جایگزین کلمهٔ مورد نظر می‌پردازد؛ یعنی کلمات کلیدی‌ای که به‌جای یکدیگر و البته بدون ایجاد تغییر قابل توجهی در معنای متن، استفاده می‌شوند. به عبارت دیگر، رابطهٔ جانشینی به پیوند بخش‌هایی اشاره دارد که لزوماً به‌صورت فیزیکی در زنجیره‌ای از گفتمان قرار نگرفته‌اند؛ بلکه در یک زنجیرهٔ ذهنی درک می‌شوند و در جایی فراتر از کلمات و جملات وجود دارند (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۸۷؛ Sazjini, M et al, 2021: 135).

در رویکردی مشابه در سنّت مفسران، قاعده‌ای تحت عنوان «اصالت حقیقت قرآنی» وجود دارد. طبق این قاعده، اگر کلمه‌ای در قرآن معنای جدیدی پیدا کرده باشد، چنانچه قرینهٔ صارفه‌ای وجود نداشته باشد، می‌توان آن را بر معنای تحت‌اللفظی کلمه ترجیح داد (رجبی، ۱۳۸۳: ۶۵).

۴. روح‌القدس و معجزات عیسی علیه‌السلام

نویسندگان کتاب این فرضیه را دربارهٔ رابطهٔ بین روح‌القدس و نشانه‌های واضح مطرح کرده‌اند که شاید روح‌القدس مسئول وضوح نشانه‌های داده‌شده به عیسی بوده است؛ بنابراین قدرت اقناع نشانه‌ها و وضوح پیامشان تنها درصورتی می‌توانسته آشکار شود که به کمک روح مشاهده شوند. به عبارت دیگر روح مانع از پنهان کردن حقیقت کامل و آشکار به‌وسیلهٔ مردم می‌شده است.

به‌هررو برای حضرت عیسی علیه‌السلام نیز وضوح نشانه‌ها با تقویت وی از طریق روح‌القدس افزایش می‌یافت. این امر به معجزات و نشانه‌ها کیفیتی متفاوت از پیامبران عهد عتیق می‌بخشید؛ زیرا، اینجا و اکنون، آن‌ها گواهی بر یک رابطهٔ ویژه و ناشی از روح با خدا و اقتدار آن حضرت علیه‌السلام بودند. بااین‌همه چنین افکاری همچنان در حدّ حدس و گمان باقی می‌ماند؛ به‌ویژه که بازسازیِ درزمانی نشان می‌دهد که گویندهٔ قرآن بعدها شروع به تغییر اظهارات خود دربارهٔ حضرت عیسی علیه‌السلام کرده است (Khorchide and Stosch, 2019: 83-84).

به‌نظر می‌رسد نبود شواهد کافیِ مطابق با روش‌شناسی نویسندگان موجب می‌شود که این گزاره در حدّ حدس و گمان باقی بماند؛ امّا روش بهبودیافته می‌تواند گزارهٔ یادشده را با شواهدی که از خوانش کل‌نگر آیات روح حاصل می‌شود، اثبات کند. این روش سپس باید توضیح دهد که چه چیزی از دمیدن روح در انسان حاصل می‌شود و چگونه با قدرت و دانش یا معجزات او مرتبط است.

تحقیق ارزشمندی دربارهٔ مفهوم روح در قرآن وجود دارد (فقهی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱)؛ که در پژوهش حاضر، نتایج آن از طریق بررسی شبکهٔ مفهومی این اصطلاح گسترش یافته است. همچنین در مقاله‌ای دربارهٔ ماهیت معجزات براساس قرآن (روحانی مشهدی، ۱۴۰۰)، اشاره‌ای به رابطهٔ روح و معجزات شده که آن نیز در پژوهش حاضر با جزئیات بیشتری از طریق آیات قرآن مستند شده است.

۱ـ۴. روح‌القدس در قرآن

ترکیب «روح القدس» چهار بار در قرآن به‌کار رفته است. سه مورد در سه آیه دربارهٔ این است که خداوند عیسی را به‌وسیلهٔ روح‌القدس تقویت کرد (بقره/ ۸۷، ۲۵۳؛ مائده/ ۱۱۰) و مورد چهارم از نزول قرآن از جانب روح‌القدس بر قلب محمّد ﷺ خبر می‌دهد (نحل/ ۱۰۲). مفسران به‌طور کلّی روح‌القدس را فرشتهٔ وحی، یعنی جبرئیل دانسته‌اند؛ زیرا براساس قرآن (بقره/ ۹۷) جبرئیل کسی است که به خواست خداوند قرآن را بر قلب محمّد ﷺ نازل کرده و البته در آیهٔ ۱۰۲ سورهٔ نحل، جبرئیل جانشین روح‌القدس است: روح‌القدس آن را به‌حق از جانب پروردگارت نازل کرده است.

اکنون لازم است رابطهٔ روح‌القدس با کلمهٔ «روح» و دیگر کلمات کلیدی مرتبط با روح در نبوت‌شناسی قرآن، مانند ملائکه تحلیل شود.

۱-۱-۴. آیات مشتمل بر واژهٔ «روح» در قرآن

روح در بیست آیه از قرآن به‌کار رفته است: هفت بار برای عیسی علیه‌السلام، چهار بار برای محمّد ﷺ، دو بار برای آدم علیه‌السلام، یک بار برای انسان، دو بار برای پیامبران، یک بار برای مؤمنان و سه بار در سخن از نزول و عروج و قیام روح به همراه ملائکه (جدول شمارهٔ ۱).

۱-۱-۱-۴. نتایج مستقیم

مرور کلّی ستون‌های جدول شمارهٔ (۱) این نتایج مستقیم را نشان می‌دهد:

الف) ترکیب کلیدی در آیات حاوی روح نشان می‌دهد که روح همواره صورت مفرد دارد و منسوب به خداوند و موجودی مقدّس است که از جانب خداوند به او عطا شده است.

نتیجه: روح حقیقتی واحد و همیشه مقدّس است.[۱]

---

۱. برخی از متفکران و مفسّران روح را مترادف با نفس دانسته‌اند. بر پایهٔ فرض دقّت قرآن در واژه‌گزینی، معنای دقیق و متمایز دو واژهٔ یادشده از قرآن استخراج شده است. براین‌اساس وجه‌تمایز اصلی این ←

ب) روح در نفس انسان دمیده می‌شود. همچنین روح بر پیامبران نازل می‌شود و مؤمنان را حمایت می‌کند.

نتیجه: روح موضوعی است که مربوط به انسان‌های شایسته است.[۱]

ج) تنوّع افراد برخوردار از روح الهی نشان می‌دهد که برخورداری از روح دارای مراتب و درجاتی است. مؤیّد این برداشت، به‌ویژه آیه‌ای است که خداوند در آن نخست خود را «رفعت‌دهندهٔ درجات» توصیف می‌کند و سپس از امکان بهره‌مندی از روح برای هر بندهٔ شایسته‌ای سخن می‌گوید. نشانهٔ دیگر اینکه گاهی کلمهٔ روح با حرف تعریف «ال» همراه است که حاکی از بهرهٔ کامل از حقیقت روح است و گاهی به‌صورت نکره و با حرف «مِن» می‌آید که نشان‌دهندهٔ دسترسی محدود به روح است.

نتیجه: بهره‌مندی از روح دارای مراتب است.[۲]

د) در مراتب بهره‌مندی از روح، تعبیر «روح القدس» بیانگر بالاترین مرتبهٔ بهره‌مندی است؛ زیرا فقط برای حضرت عیسی علیه‌السلام و حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌کار رفته است. همچنین قرآن در همان آیه که از رفعت برخی از پیامبران بر برخی دیگر خبر می‌دهد، بلافاصله از برخورداری عیسی علیه‌السلام از دلایل روشن (بیّنات) و تأیید به‌وسیلهٔ روح‌القدس سخن می‌گوید. این امر نشان می‌دهد که عیسی علیه‌السلام به‌علت تأیید به‌وسیلهٔ روح‌القدس، بالاترین سطح را در میان رسولان دارد.

→

دو واژه این است که نفس می‌تواند پلید باشد و به بدی فرمان دهد؛ امّا روح موجودی مقدّس و منبع الهام الهی است. تفاوت دیگر این است که نفس به‌طور طبیعی آفریده شده و دارای زوجیّت است (روحانی مشهدی، ۱۳۹۹؛ شاکر، ۱۳۷۹).

۱. این برداشت با آن روایاتی که از پنج مرتبهٔ روح انسان سخن می‌گویند و برخورداری از روح‌القدس را ویژهٔ انبیا و امامان می‌دانند، مطابقت دارد (کلینی، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۷۱).

۲. براساس پژوهشی دیگر، روح حقیقتی واحد با مراتب و درجات مختلف است. توضیح مطلب اینکه کاربردهای مختلف این اصطلاح در قرآن، مانند «الروح، روحنا، روح القدس و روح الأمین» نشان‌دهندهٔ مراتب یا اشکال مختلف یک وجود هستند؛ اگرچه همهٔ آن‌ها از یک نوع و از یک حقیقت واحدند (فقهی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

نتیجه: بهره‌مندی از روح‌القدس بیانگر بالاترین سطح بهره‌مندی از روح است.

هـ) روح، هم‌نشینی فراوان با مفهوم قدرت دارد. این مفهوم با کلماتی مانند تأیید، تثبیت، بیّنات (معجزه: قدرت برتر) نشان داده شده است. بافت متنی نشان می‌دهد که قدرت عبارت است از اثر و نشانهٔ برخورداری از روح؛ برای نمونه خداوند مؤمنان را با روحی از خود قدرت می‌بخشد. در مورد دیگری، خداوند مؤمنان را با نزول قرآن از طریق روح‌القدس تثبیت و تقویت می‌کند. به‌نظر می‌رسد این امر نشان‌دهندهٔ قوّت روحی و روانی است؛ یعنی قوّت عزم و اراده که ثمرهٔ آن قوّت جسمانی است.

نتیجه: اثر بهره‌مندی از روح قدرت گرفتن است.[۱]

و) روح، هم‌نشینی فراوانی با مفهوم علم دارد. این مفهوم با کلماتی مانند آیات روشن (معجزات: علم فوق‌العاده)، علم، نبوّت (پیشگویی)، هدایت (مبتنی بر معرفت) نشان داده شده است. بافت متنی نشان می‌دهد که معرفت، اثری از بهره‌مندی از روح است؛ برای نمونه وقتی روح بر بندگان شایسته القا می‌شود، آنان به علم می‌رسند و به توانایی نبوت و خبررسانی دست می‌یابند.

نتیجه: اثر بهره‌مندی از روح کسب علم است.[۲]

ز) هم‌نشینی ملائکه با روح در موارد متعدد: اگرچه روح فرشته نیست، همکاری نزدیکی بین آن‌ها وجود دارد؛ به‌ویژه دربارهٔ امر الهی.[۳]

---

۱. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: (روحانی مشهدی، ۱۴۰۰).

۲. روایتی وجود دارد که برخورداری از روح را به دریافت علم و فهم تفسیر می‌کند (کلینی، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۷۴). در روایتی دیگر، از ملکوت الهی به مفهوم قدرت تعبیر می‌شود (همان، ۲۷۳). علامه طباطبایی نیز با استناد به آیات ۸۲ و ۸۳ سورهٔ یس و اینکه روح از امر الهی است (اسراء/ ۸۵)، مفهوم ملکوت الهی و ارتباط آن با امر الهی را تبیین کرده است.

۳. در روایتی، بر تمایز روح از فرشتگان، به‌ویژه از جبرئیل تأکید می‌شود و این موافق با ظاهر قرآن (قدر/ ۴) و البته برخلاف دیدگاه رایج است. همچنین براساس روایتی دیگر، روح از ملکوت است و جایگاه او از فرشتگان بالاتر است (کلینی، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۷۳).

ح) سجدهٔ ملائکه بر آدم پس از دمیده شدن روح در او نشان‌دهندهٔ جایگاه روح است.

نتیجه: روح در سطحی بالاتر از فرشتگان قرار دارد و ملائکه تسلیم روح می‌شوند.

۲-۱-۱-۴. نتایج استنباطی

تجزیه و تحلیل نتایج مستقیم پیش‌گفته این نتایج استنباطی را نشان می‌دهد که اطمینان از درستی و دقت آن‌ها به تحقیق بیشتر دربارهٔ شبکهٔ مفهومی روح در قسمت بعدی نیاز دارد:

ط) با توجه به نکات یادشده در موارد «ج، د، هـ، و»، هر چقدر بهره‌مندی انسان از روح بیشتر باشد، از قوّت ذهنی و جسمی بیشتری برخوردار است و انسان بهره‌مند از روح‌القدس بیشترین میزان قدرت و علم را داراست.

این امر می‌تواند دلیل محکمی برای ایدهٔ پیشنهادی محققان سوره‌های مربوط به عیسی علیه‌السلام با روش مطالعهٔ درزمانی باشد: وضوح نشانه‌های عیسی با تقویت او از طریق روح‌القدس بیشتر می‌شود. این به معجزات و نشانه‌ها کیفیتی متفاوت از انبیای عهد عتیق می‌دهد؛ زیرا این معجزات شاهدی بر یک ویژگی خاص‌اند که همان قرابت به خدا بر اثر تأیید به‌وسیلهٔ روح و درنتیجه برخورداری از اختیار و ارادهٔ الهی است.

ی) می‌توان نوعی رابطه بین جبرئیل و عالی‌ترین مرتبهٔ روح، یعنی روح‌القدس تصور کرد.

نتیجه: جبرئیل نزدیک‌ترین فرشته به روح‌القدس است.[۱]

---

۱. قرآن گاه روح‌القدس و گاه جبرئیل را وحی‌کنندهٔ خود می‌داند. به‌نظر می‌رسد که این دو واسطهٔ نزولِ حیات (قدرت و علم) از جانب خداوند هستند. به‌هررو روح‌القدس در جایگاهی بالاتر از جبرئیل قرار دارد. در داستان بازپس‌گیری جان انسان‌ها نیز گاهی خداوند، گاهی فرشتگان و گاهی فرشتهٔ مرگ این کار را انجام می‌دهد. این سبک بیان نشان‌دهندهٔ سلسله‌مراتب انجام مأموریتی است که منشأ آن ارادهٔ خداوندست.

جدول شمارهٔ (۱): آیات حاوی واژهٔ روح و تعیین کلمات کلیدی هم‌نشین

ردیف	آیه	ترکیب کلیدی	هم‌آیندها	شخص برخوردار
۱	﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾ (بقره/ ۸۷).	روح القدس	تأیید، بیّنات، عیسی، رسول.	عیسی علیه‌السلام
۲	﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ (بقره/ ۲۵۳).	رُوح الْقُدُس	تأیید، بیّنات، عیسی، رسول.	عیسی علیه‌السلام
۳	﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (نساء/ ۱۷۱).	رُوحٌ مِنْهُ	کلمه، مریم، القا، رسول، توحید.	عیسی علیه‌السلام
۴	﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ	رُوح الْقُدُس	تأیید، بیّنات، عیسی، رسول.	عیسی علیه‌السلام

	الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِى الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِى فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِى وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِى وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِى وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِى إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ (مائده/ ۱۱۰).			
۵	﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ (مریم/ ۱۷).	رُوحَنَا	تمثّل، ارسال، مریم، بشر.	عیسی علیه‌السلام
۶	﴿وَالَّتِى أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/ ۹۱).	مِنْ رُوحِنَا	مریم، عیسی، آیت، نفخ.	عیسی علیه‌السلام
۷	﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِى أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾ (تحریم/ ۱۲).	مِنْ رُوحِنَا	مریم، کلمات.	عیسی علیه‌السلام
۸	﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّى وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء/ ۸۵).	الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّى	علم	محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله
۹	﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ (شعراء/ ۱۹۳).	رُوحُ الْأَمِين	نزول، قرآن.	محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله
۱۰	﴿يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ﴾ (نحل/ ۲).	بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ	تنزّل، ملائکه.	پیامبران
۱۱	﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى	رُوحِ الْقُدُس	نزول، قرآن، تثبیت.	محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله

	﴿لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل/ ۱۰۲).			
۱۲	﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (شوری/ ۵۲).	رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا	وحی، کتاب، ایمان، علم.	محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله
۱۳	﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ (غافر/ ۱۵).	الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ	القا، درجات، انذار.	پیامبران
۱۴	﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ﴾ (سجده/ ۹).	مِنْ رُوحِهِ	تسویه، نفخ، انسان، علم.	انسان
۱۵	﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (حجر/ ۲۹).	مِنْ رُوحِي	تسویه، نفخ، انسان، ملائکه.	آدم علیه‌السلام
۱۶	﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (ص/ ۷۲).	مِنْ رُوحِي	تسویه، نفخ، انسان، ملائکه.	آدم علیه‌السلام
۱۷	﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مجادله/ ۲۲).	بِرُوحٍ مِنْهُ	تأیید، ایمان.	مؤمنان
۱۸	﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ	الرُّوحُ إِلَيْهِ	عروج، ملائکه.	

	مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ (معارج/ ۴).			
۱۹	﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ (نبأ/ ۳۸).	الرّوح	قیام، ملائکه.	
۲۰	﴿تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ (قدر/ ۴).	ـ الرُّوح ـ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ	تنزّل، ملائکه، القدر.	

۲-۱-۴. شبکهٔ مفهومی «روح» در قرآن

چنانچه هم‌آیندهای روح و مفاهیم حاصل از هم‌آیندی، با ملاحظهٔ روابط جانشینی برای این هم‌آیندها، استخراج شود، جدول شمارهٔ (۲) به‌دست می‌آید.

جدول شمارهٔ (۲): هم‌آیندهای کلیدی و مفاهیم حاصل از آن‌ها

نوع	هم‌نشین	جانشین	مفهوم	قراین مفهومی	سوره
فعل	وحی		نبوّت	وحی روح	(شوری/ ۵۲)
فعل	وحی	القا	افاضهٔ علم	انذار، نبوّت	(نحل/ ۲)
فعل	وحی	نفخ	افاضهٔ علم	سمع و بصر و افئده	(سجده/ ۹)
فعل	وحی	تأیید	افاضهٔ قدرت	بیّنات	(بقره/ ۸۷)
فعل	وحی	الهام	افاضهٔ علم	الهام فجور و تقوا	(شمس/ ۸)
فعل	وحی		افاضهٔ علم	اتَّخِذِی ... سُبُلَ رَبِّك	(نحل/ ۶۸-۶۹)
اسم	ملائکه		تحوّل و گذار	تنزّل	(قدر/ ۴)
اسم	ملائکه		تحوّل و گذار	عروج	(معارج/ ۴)
اسم	ملائکه		تحوّل و گذار	قیام	(نبأ/ ۳۸)
اسم	امر		علم	قلّت علم بشری	(اسراء/ ۸۵)
اسم	امر		قدرت و قطعیت	به یک چشم بر هم زدن	(قمر/ ۵۰)

اسم	امر		قدرت و ملکوت	کن فیکون	(یس/ ۸۲، ...)
اسم	امر	قول	قدرت و قطعیت	کن فیکون	(نحل/ ۴۰)
اسم	امر	کلمه	قدرت	القای کلمه	(نساء/ ۱۷۱)
اسم	امر	کلمه	قدرت	تحقّق حق	(انفال/ ۷)
اسم	امر	کلمه	قدرت	المنصورون/ الغالبون	(صافات/ ۱۷۱- ۱۷۳)
اسم	امر	ملائکه	قدرت ملائکه	الْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا	(نازعات/ ۵)
اسم	کتاب		علم	هدایت	(شوری/ ۵۲)
اسم	ایمان		علم	هدایت	(شوری/ ۵۲)
اسم	انسان		علم	سمع و بصر و فؤاد	(سجده/ ۹)
اسم	آدم		علو	سجده ملائکه	(حجر/ ۲۹)
اسم	من عباده		علوّ و علم	انذار/ رفیع الدرجات	(غافر/ ۱۵)
صفت	القدس		علو	نزول قرآن	(نحل/ ۱۰۲)
صفت	القدس		قدرت	تأیید	(مائده/ ۱۱۰)
صفت	الأمین		علو	نزول قرآن	(شعراء/ ۱۹۳)

ـ با استفاده از جدول شمارهٔ (۲) مشخص می‌شود که فعل «وحی» و افعال جانشین آن، «ملائکه» و «امر» از اصلی‌ترین هم‌آیندهای روح در قرآن هستند (شکل شمارهٔ ۱).

ـ وحی و جانشینان آن افعالی هستند که بر روح اثر می‌گذارند و بر تحوّل و افاضهٔ علم و قدرت دلالت دارند. امر و عبارات هم‌نشین آن نیز مفاهیم علم، قدرت و قطعیت را متبادر می‌سازند.

ـ هم‌نشین‌های اسمی روح که نقش دریافت‌کنندهٔ روح دارند، مفاهیم علم و علوّ مرتبه را در بافت آیات ارائه می‌دهند. اوصاف روح نیز در سیاق آیات، مفاهیم قدرت و علو را

پدید آورده‌اند.

بررسی آیات قرآن دربارهٔ وحی از پیوندهای پیچیده و عمیق معنایی میان این واژگان حکایت دارد. در ادامه کوشیده شده تا با استناد به قرآن و استنتاج منطقی از گزاره‌های آن، ابتدا تک‌تک این مفاهیم کلیدی و سپس روابط و پیوندهای مفهومی کشف و تبیین شود.

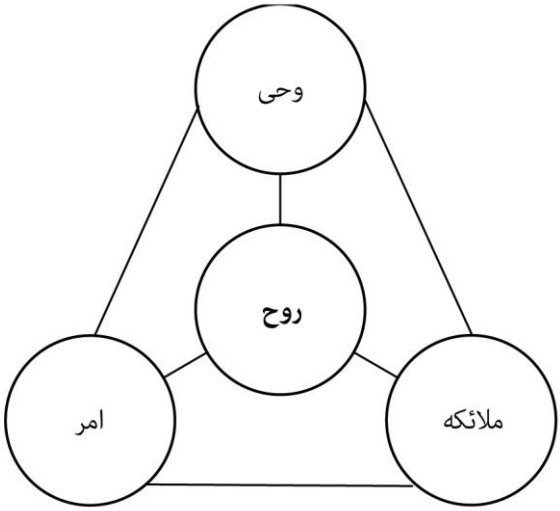

شکل شمارهٔ (۱): شبکهٔ مفهومی روح

۱-۲-۱-۴. «امر» در قرآن

روح از امر پروردگار است (اسراء/ ۸۵) و فرمان و کلام خداوند (نحل/ ۴۰) چنان است که چون چیزی را بخواهد به آن می‌گوید: باش! و می‌شود (یس/ ۸۲). این بدان معناست که امر و حکم خداوند بر خلقت موجودات و اعطای حالات و آثار آن‌ها ناگزیر تحقق می‌یابد؛ پس ملکوت همه‌چیز در دست پروردگار است (یس/ ۸۳)؛ یعنی اشیا و قوای آن‌ها از فرمان خلقت و کلمهٔ «باش» خداوند که به آن‌ها امر یا نازل یا القا شده، ناشی می‌شود.

قرآن می‌فرماید همهٔ مخلوقات دارای ملکوت الهی هستند (مؤمنون/ ۸۸؛ اعراف/ ۱۸۵) و فرمان خداوند به خلقت مخلوقات همان وجه الهی آن‌هاست (یس/ ۸۲-۸۳)؛ یعنی

همهٔ مخلوقات در ورای چهرهٔ طبیعی خود چهره‌ای دیگر دارند که به خدا متصل است و ملکوت الهی آن‌ها نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳/ ۱۹۷). قرآن هشت بار از تعبیر «کن فیکون: باش! و می‌شود» استفاده می‌کند که همیشه بیان‌کنندهٔ تحقّق قطعی و فوری امر خداوند است (رازی ۱۴۲۰: ۴/ ۲۶): برای اشاره به آفرینش آسمان‌ها و زمین (بقره/ ۱۱۷)، خلقت عیسی علیه‌السلام (آل عمران/ ۴۷؛ مریم/ ۳۵)، برپایی روز قیامت (انعام/ ۷۳)، زنده کردن مردگان (نحل/ ۴۰؛ یس/ ۸۲) و زنده کردن و مرگ همهٔ انسان‌ها (غافر/ ۶۸).

از نظر قرآن، همهٔ وقایع هستی متأثّر از فرمان خداوند است و تعبیر «کن فیکون» بی‌واسطه بودن و تأثیرگذاری فرمان خداوند در وقوع هر رویداد یا پدیده‌ای را برجسته می‌کند. مطالعهٔ این آیات به این معنا نیست که خداوند، بدون وساطت علل طبیعی، در همهٔ این پدیده‌ها دخالت می‌کند؛ بلکه در آیات دیگری، علل طبیعی مؤثر بر ایجاد این پدیده‌ها به‌وضوح ذکر شده است؛ برای نمونه: نقش آب در پیدایش موجودات زنده (انبیاء/ ۳۰؛ فرقان/ ۵۴؛ نور/ ۴۵) و نقش باد در بارور کردن ابرها (حجر/ ۲۲) و ریزش باران (اعراف/ ۵۷).

درواقع برای بررسی رابطهٔ «امر و ارادهٔ خداوند» با سازوکارهای طبیعی باید بافت آیاتی را که در آن‌ها «امر» به‌کار رفته، مشاهده کرد.

قرآن در آیاتی که در آن‌ها از «ملکوت» خداوند یاد می‌شود (انعام/ ۷۵؛ مؤمنون/ ۸۸)، به حکومت و ملک عظیم خداوند اشاره می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۱۸۲). در این آیات، به وجود عالمی مجرّد برای امر خداوند یا ملکوت او در ورای عالم طبیعت (کلانتری و علوی، ۱۳۹۲) اشاره نشده؛ بلکه سخن از عالم یکپارچه‌ای است که هستی آن به امر خداوند وابسته است. از دیدگاه قرآن همهٔ پدیده‌هایی مانند شب و روز، دریا، سیّارات، ستارگان و قوانین علمی ایجادکنندهٔ هستی و حاکم بر آن جنبهٔ ملکوتی دارند؛ زیرا نتیجهٔ امر خداوند و وابسته به آن هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/ ۳۶۷).

قرآن در آیات پایانی سورهٔ یس هرگونه شبهه دربارهٔ امکان بازآفرینی انسان در معاد را از طریق مقایسه با بازآفرینی جهان برطرف می‌کند و هر دو را از مظاهر خلاقیت خداوند

می‌داند (یس/۸۱). در آیهٔ ۸۳ سورهٔ یس نیز از اجرای قطعی و فوری فرمان خداوند درنتیجهٔ جهانی بودن «ملکوت» خداوند و انحصار حکومت او بر همه‌چیز سخن می‌رود (یس/ ۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/ ۱۱۶). این امر نشان‌دهندهٔ بُعد طبیعی یا فیزیکی قلمرو ظهور ملکوت الهی است که در آن ایجاد پدیده‌ها نه به‌صورت آنی که در یک دورهٔ زمانی اتفاق می‌افتد و البته در هر لحظه به فرمان خداوند وابسته است. به‌نظر می‌رسد که فرمان خداوند به‌عنوان وسیله‌ای برای پیوند همهٔ موجودات با ذات خداوند عمل می‌کند (Rohani Mashhadi and Sadatmansouri, 2024).[۱]

۲-۲-۱-۴. «وحی» در قرآن

قرآن می‌فرماید که خداوند از طریق وحی، فرمان خود را به مخلوقات ابلاغ می‌کند. دریافت وحی نتیجه یا مقدّمه آگاهی موجودی است که آن را دریافت می‌کند (فصلت/ ۱۲؛ شوری/ ۵۲). در این آیات از نزول چیزی به‌عنوان «امر» بر همهٔ موجودات در مراتب مختلف جماد، جاندار و انسان یاد می‌شود که می‌تواند نشانهٔ شعور خاص در همهٔ موجودات و تمامیّت هستی باشد؛ برای نمونه روحی از فرمان پروردگار بر محمّد ﷺ نازل شد و او را از کتاب و ایمان آگاه ساخت (شوری/ ۵۲). همچنین روح در جان انسان‌ها دمیده می‌شود (سجده/ ۹؛ حجر/ ۲۹؛ ص/ ۷۲) و آن‌ها را از خیر و شر آگاه می‌کند (شمس/ ۸). افزون بر این، روح به‌عنوان یک فرمان الهی بر پیامبران نازل شد و آنان دارای درک برتر شدند (نحل/ ۱۰۲) و خداوند به مادر موسی راه‌حلی برای نجات جان پسرش وحی کرد (قصص/ ۷). این موارد نوعی از وحی انسانی هستند که روح در آن‌ها نقش اصلی دارد.

مشاهده می‌شود که وحی موجوداتی غیر از انسان را نیز شامل می‌شود؛ مانند: نزول فرمان ویژهٔ هر آسمان (فصلت/ ۱۲) که عبارت است از ایجاد نظامی که بر هر آسمانی

---

۱. با توجه به درک ما از قرآن، رابطهٔ بین خدا و طبیعت با دیدگاه فیلسوفانی مانند هربرت مک کیب (Manni, 2019: 99) سازگار است.

حاکم است (طبری ۱۴۱۲: ۲۴/ ۶۴؛ قطب، ۱۴۲۵: ۵/ ۳۱۱۵، ۱۲/ ۳۵۶) و اطاعت آگاهانهٔ آسمان‌ها از امر خداوند، نزول امر به زنبور عسل و درنتیجه آگاهی طبیعی زنبور از چگونگی ساخت کندو و تولید عسل (نحل/ ۶۸-۶۹) و وحی بر زمین برای بازگو کردن قصه‌هایش (زلزال/ ۴-۵). بنابراین به‌نظر می‌رسد که وحی به تعامل بین «عالم طبیعی» و «عالم ملکوت الهی» اشاره دارد و نشانه‌ای از وجود آگاهی در خلقت است.

تسبیح و پرستش همهٔ موجودات جهان نشانهٔ دیگری از این آگاهی جهانی است (طبری ۱۴۱۲: ۱۵/ ۶۵)؛ یعنی همه‌چیز در عالم تسلیم، فرمان‌بردار، درحال عبادت و تسبیح خداوند است (حج/ ۱۸؛ آل عمران/ ۴۴، ۸۳؛ طبری ۱۴۱۲: ۱۵/ ۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵/ ۷۵). این تسلیم جهانی در برابر فرمان خداوند پیوند بین فرمان الهی و آگاهی مخلوقات را بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهد؛ چنان‌که در قرآن، حتّی به آفرینش آسمان‌ها و زمین نیز، به‌عنوان موجوداتی آگاه، درنتیجهٔ پاسخ فروتنانه به فرمان خداوند اشاره شده است (فصلت/ ۱۱).

۳-۲-۱-۴. «ملائکه» در قرآن

قرآن کریم در آیات فراوانی دربارهٔ ملائکه سخن می‌گوید. در برخی از این آیات، نام ملائکه به‌صراحت به‌صورت مفرد، مثنی یا جمع به‌کار برده می‌شود. این دسته از آیات که شمار آن‌ها به ۸۶ آیه می‌رسد، با جست‌وجوی ریشهٔ «م ل ک» در متن قرآن قابل دسترسی است. در دستهٔ دیگری از آیات، به قرینهٔ آیات دیگری می‌توان دریافت که مراد آیه ملائکه هستند؛ مانند آیات مربوط به سخن گفتن با انسان‌ها در قیامت که در آن‌ها از افعال مجهولی همچون «قیل» و «نودوا» استفاده شده و بسیاری از مفسران به قرینهٔ آیات دیگری که در آن‌ها از ملائکه به‌عنوان مأموران بهشت و جهنّم یاد شده، گوینده را ملائکه دانسته‌اند یا آیات مربوط به حمل عرش (غافر/ ۷؛ حاقه/ ۱۷) که به قرینهٔ آیهٔ ۷۵ سورهٔ زمر روشن می‌شود که حاملان عرش ملائکه هستند. البته همیشه قرینهٔ قطعی در دست نیست؛ چنان‌که در آیات دارای سوگندهای چندگانه در آغاز سوره‌های صافات، ذاریات،

مرسلات و نازعات، به‌علت کاربرد واژه‌هایی ابهام‌آمیز، قرینهٔ قطعی وجود ندارد که البته بیشتر مفسران پدیده‌هایی را که در قالب جمع مؤنث بدان‌ها سوگند یاد شده، حداقل به‌عنوان یک احتمال تفسیری، با ملائکه تطبیق داده‌اند.

براساس مطالعهٔ همهٔ آیات قرآن در موضوع ملائکه می‌توان این آیات را به موضوعاتی جزئی‌تر دسته‌بندی کرد:

ـ نوع آفرینش ملائکه و جنس آن‌ها: مانند خلقت (زخرف/ ۱۹) و بال‌های چندگانه (فاطر/ ۱)؛

ـ علم ملائکه و محدودهٔ آن: مانند شهادت ملائکه به همراه اولوالعلم به وحدانیت خداوند (آل عمران/ ۱۸) و شهادت به حقانیت قرآن (نساء/ ۱۶۶)؛

ـ عبادت ملائکه: مانند عبد بودن ملائکه (نساء/ ۱۷۲؛ انبیاء/ ۲۶؛ زخرف/ ۱۹)، تسبیح و حمد (بقره/ ۳۰؛ رعد/ ۱۳؛ شوری/ ۵)، سجده (نحل/ ۴۹)، تقدیس و حمد (بقره/ ۳۰)، سجده بر آدم به امر خدا (بقره/ ۳۴؛ اعراف/ ۱۱؛ حجر/ ۳۰؛ اسراء/ ۶۱؛ کهف/ ۵۰؛ طه/ ۱۱۶؛ ص/ ۷۳)؛

ـ رسالت ملائکه در دنیا: خداوند ملائکه را رسولانی قرار داد (فاطر/ ۱؛ حج/ ۷۵) که در زندگی بشر نقش‌هایی ایفا می‌کنند؛ مانند نزول در شب قدر به همراه روح از جانب هر امر (قدر/ ۴)، تدبیر امر (نازعات/ ۵)، تقسیم امر (ذاریات/ ۴)، حمل عرش (غافر/ ۷)، دعا و استغفار برای مردمان زمین (شوری/ ۵)، صلوات بر مؤمنان (سجده/ ۱۱؛ احزاب/ ۴۳)، صلوات بر رسول‌الله (احزاب/ ۵۶)، لعن کافران (بقره/ ۱۶۱؛ آل عمران/ ۸۷)، ایفای نقش در وحی به رسولان (نحل/ ۲؛ صافات/ ۳؛ شوری/ ۵۱؛ مرسلات/ ۵)، سخن ملائکه به مریم دربارهٔ اصطفای او (آل عمران/ ۴۲)، بشارت مریم به عیسی (آل عمران/ ۴۵)، ندا به زکریا دربارهٔ بشارت تولّد یحیی (آل عمران/ ۳۹)، یاوری رسول خدا در برابر مکر زنان (تحریم/ ۴)، نزول و امداد صابران متّقی در جهاد (آل عمران/ ۱۲۴-۱۲۵؛ انفال/ ۹)، تثبیت مؤمنان در جهاد (انفال/ ۱۲)، زدن گردن‌ها و انگشتان کافران در جهاد (انفال/ ۱۲)، نزول ملائک برای بشارت به پایمردان (فصلت/۳۰)، ایفای نقش در معجزات مانند حمل تابوت موسی

برای بنی‌اسرائیل (بقره/ ۲۴۸)، تعلیم سحر (بقره/ ۱۰۲)، ثبت اعمال انسان‌ها (انفطار/ ۱۱) و حفظ نفس و جان انسان (طارق/ ۴؛ انفطار/ ۱۰؛ انعام/ ۶۱) و توفّی نفس و جان انسان‌ها و گفت‌وگو با آنان در آن هنگام (نساء/ ۹۷؛ انعام/ ۹۳؛ انفال/ ۵۰؛ نحل/ ۲۸، ۳۲؛ سجده/ ۱۱؛ محمّد/ ۲۷).

ـ نقش ملائکه در حوادث قیامت و مأموریت آن‌ها در زندگی آخرت: مانند آمدن ملائکه به‌عنوان نشانهٔ پایان کار دنیا و آغاز فرایند قیامت (بقره/ ۲۱۰؛ انعام/ ۸، ۱۵۸؛ حجر/ ۸؛ نحل/ ۳۳؛ فرقان/ ۲۲، ۲۵) و موارد بسیار دیگر.

ـ وظیفهٔ انسان‌ها در برابر ملائکه: مانند دعوت انسان‌ها به ایمان به ملائکه پس از ایمان به خدا و روز آخرت و پیشاپیش کتاب‌های آسمانی و پیامبران (بقره/ ۱۷۷، ۲۸۵؛ نساء/ ۱۳۶) و موارد دیگر.

آیات یادشده به‌طور اجمالی حضور فراگیر و نقش ملائکه در تمام رویدادهای دنیوی یا اخروی، جسمانی (مانند مقاتله با کفار) یا روحانی (مانند وحی)، طبیعی (توفّی) یا خارق‌العاده (معجزات و سحر) را تأیید می‌کنند؛ اما اثبات اینکه هیچ امری در جهان بدون وساطت ملائکه صورت نمی‌پذیرد، به تأمل و درنگی بیشتر بر چند آیهٔ کلیدی نیازمند است.

مرور اجمالی روایات در موضوع ملائکه نشان‌دهندهٔ حضور فراگیر آنان در تمام رویدادهای جهان است؛ اما از میان آیاتی که از رسالت ملائکه سخن می‌گویند، چهار آیه، به‌احتمال، ناظر به حضور فراگیر ملائکه و گویای وساطت آنان در وقوع تمام رویدادهای عالم هستند: آیهٔ نزول در شب قدر (قدر/ ۴) به دلیل تقدیر همهٔ امور هستی در آن شب، آیهٔ حمل عرش (غافر/ ۷) به دلیل پیوند عرش با تدبیر امر همهٔ هستی از سوی رب پس از استوا بر عرش، آیهٔ قسم به مدبّران امر (نازعات/ ۵) و سوگند به تقسیم‌کنندگان امر (ذاریات/ ۴). البته ممکن است فرشتگان این وظایف را از طریق انسان‌هایی که به‌علت برخورداری از روح برگزیده شده‌اند، انجام دهند (شکل شمارهٔ ۳).

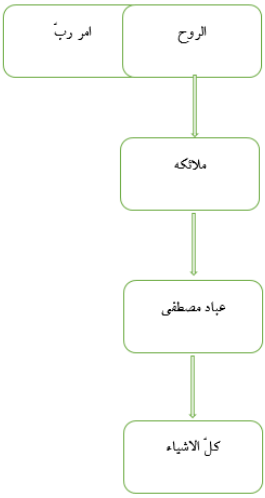

شکل شمارهٔ (۳): نمای پیشنهادی رابطهٔ بین روح و موجودات

شکل شمارهٔ (۳) نشان می‌دهد که فرشتگان الهی حامل امر خداوند، یعنی روح، به انسان‌های منتخب هستند. انسان‌های منتخب به‌علت بهره‌مندی از روح، همهٔ موجودات را حیات می‌بخشند و امور آنان را تدبیر می‌کنند؛ زیرا بنابر آیات دال بر تسبیح همگانی موجودات، مفهوم زندگی بر همهٔ موجودات قابل تعمیم است.

در یک دیدگاه تفسیری دیگر، رابطهٔ روح و ملائکه چنین توضیح داده می‌شود: فرشتگان خود نیز حیات، علم و قدرت را از روح دریافت می‌کنند و واسطهٔ بین روح و همهٔ موجودات هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/ ۲۰۶؛ شکل شمارهٔ ۴). در این دیدگاه، روح جنبهٔ الهی همهٔ موجودات، حتّی فرشتگان است (محمّدی، ۱۴۰۲: ۶۷)؛ در حالی که هیچ آیه‌ای وجود ندارد که از تعامل روح با موجود دیگری به جز فرشتگان و انسان (آن هم از طریق فرشتگان) سخن بگوید. بنابراین می‌توان پذیرفت که روح فقط از طریق انسان منتخب یا افراد برگزیده با جهان تعامل دارد.

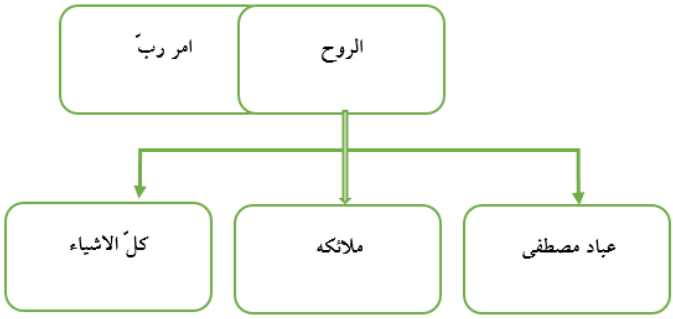

شکل شمارهٔ (۴): نمای دیگری از رابطهٔ بین روح و موجودات

چنان‌که در شکل شمارهٔ (۴) نشان داده شده، روح که از امر خداوند است، فرشتگان، انسان‌ها و همهٔ موجودات را حیات می‌بخشد، بر آنان مسلط است و امورشان را تدبیر می‌کند.

در پایان این بخش و براساس تحلیل شبکهٔ مفهومی روح در قرآن، یافته‌های زیر به دست می‌آید:

ـ امر الهی همه‌چیز، وجود و ویژگی‌های وجود، را خلق کرده و بر آن‌ها تسلط می‌یابد؛

ـ امر الهی به‌واسطهٔ فرشتگان بر هر موجودی القا می‌شود؛

ـ اثر امر الهی در باطن موجودات پنهان است و ملکوت موجودات نامیده می‌شود؛

ـ روح مرتبه‌ای بالا از امر الهی و مختص انسان است؛

ـ انسان‌ها می‌توانند از طریق وحی و به‌وسیلهٔ فرشتگان از روح بهره‌مند شوند؛

ـ بهره‌مندی انسان از روح دارای مراتبی است؛

ـ بهره‌مندی از روح‌القدس بالاترین مرتبهٔ بهره‌مندی از روح است.

در نتیجه:

ـ افرادی که از روح بهره‌مند می‌شوند، می‌توانند از طریق ملکوت موجودات، بر آن‌ها درجه‌ای از تسلط بیابند؛

ـ افرادی که از روح‌القدس بهره‌مند می‌شوند، در مقام جانشینی خداوند می‌توانند موجودات را به بهترین شکل خلق کرده و بر آن‌ها تسلط یابند؛ یعنی می‌توانند آشکارترین آیات و معجزات را ارائه دهند.

بدین‌سان گزارهٔ حدسی مؤلّفان کتاب از طریق تحلیل شبکهٔ مفهومی روح، به‌عنوان یک استنباط قرآنی قابل ارائه است.

نتیجه‌گیری

خوانش کل‌نگر قرآن، به‌عنوان یک کلّ ادبی، نقشی منحصربه‌فرد و تعیین‌کننده در پژوهش‌های موضوعی قرآن دارد؛ چنان‌که حتّی بر خوانش کل‌نگر سوره‌های اصلی مربوط به موضوع مورد بررسی، اولویت دارد.

منابع

۱. *قرآن مجید*.

۲. آلوسی، محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.

۳. ابن عاشور، محمّدطاهر، *التحریر و التنویر*، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.

۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ق.

۵. ایزوتسو، توشیهیکو، *خدا و انسان در قرآن کریم*، ترجمهٔ احمد آرام، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۱ش.

۶. رازی، فخرالدین عمر بن محمّد، *التفسیر الکبیر*، دار إحیاء التّراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.

۷. رجبی، محمود، *روش تفسیر قرآن*، پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳ش.

۸. روحانی مشهدی، فرزانه، «تبیین ماهیت معجزه از دیدگاه علامه طباطبائی»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دورهٔ ۱۸، شمارهٔ ۴، اسفند ۱۴۰۰ش.

۹. روحانی مشهدی، فرزانه، «تبیین نسبت "نفس واحده" با "آدم" براساس تحلیل مفهوم "نفس" در نظام آیات قرآن»، *رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث*، دورهٔ پنجاه و دوم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش.

۱۰. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.

۱۱. شاکر، محمّدکاظم، «وجوه معانی نفس در قرآن»، *پژوهش‌های فلسفی و کلامی*، دورهٔ چهارم، شمارهٔ ۴، ۱۳۷۹ش.

۱۲. طباطبائی، سیّد محمّدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ق.

۱۳. طبری، محمّد بن جریر، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۱۴. فقهی‌زاده، عبدالهادی و دیگران، «ویژگی‌های روح (موضوع آیهٔ "و یسألونک عن الرّوح") از دیدگاه قرآن و روایات»، ***پژوهش‌های قرآن و حدیث***، سال چهل و پنجم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.

۱۵. فکوهی، ناصر، ***تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی***، نی، تهران، ۱۳۸۷ش.

۱۶. قطب، سیّد، ***فی ظلال القرآن***، دار الشروق، بیروت، ۱۴۲۵ق.

۱۷. کلانتری، ابراهیم و حمرا علوی، «چیستی عالم امر در آیات قرآن کریم»، ***پژوهش‌های قرآن و حدیث***، سال چهل و ششم، شمارهٔ ۱، تابستان ۱۳۹۲ش.

۱۸. کلینی، محمّد بن یعقوب، ***الکافی***، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش.

۱۹. مجلسی، محمّدباقر، ***بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار***، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۰. محمّدی، عبدالله، ***خلقت آدم علیه‌السلام؛ بررسی دلالت‌های آن در الهیات و علوم انسانی از دیدگاه علامه طباطبایی***، پژوهشکدهٔ حکمت و فلسفه، تهران، ۱۴۰۲ش.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ***تفسیر نمونه***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.

22. Khorchide, M. and K. Stosch. *The other prophet Jesus in the quran*, Trans. by Simon Pare, London, Gingko, 2019.

23. Manni, F. “An Apophatic View of God and Creation”, *Religious Inquiries*, 2019, 8(15): 81-102.

24. Rohani Mashhadi, F. “Holy Spirit and Jesus’s miracles, a methodological suggestion to ‘The other prophet; Jesus in the Quran”, *Journal of Contemporary Islamic Studies (JCIS)*, 2025, 8(1): 73-85.

25. Rohani Mashhadi, F. and M. Sadatmansouri. “Pleroma Design, Qur’ānic Approach to God Intervention in Nature”, *Journal of Contemporary Islamic Studies (JCIS)*, 2024, 6(1): 115-125.

26. Sazjini, M., et al. “A Semantic Study of the Word ‘Furqan’ in the Holy Quran: A Reply to Doubts Using Paradigmatic and Syntagmatic Axes”, *Religious Inquiries*, 2021, 10(20): 129-148.